

نظر استاد رهنما

«نقش قرآن در ایجاد انگیزه فراورده‌های علمی بشر» موضوع علمی - تحقیقی ای می‌باشد که طبق پلان دورنمایی آمریت انستیتوت ثقافت ریاست محترم عقیده و ثقافت جهت تألیف اثری، به منظور ترفیع علمی از رتبه علمی معاون محقق به رتبه محقق، به معاون محترم محقق محمداعظم «طارق» عضو علمی آن مرکز، محول گردیده بود که مسئولیت رهنمایی این اثر را به عهده داشتم.

وی با قدرت پشتکار و با استفاده از آثار معتبر و کثیر (داخلی و خارجی) با رعایت موازین و روشهای تحقیق و کاربرد بجا، صحیح و منطقی آیات قرآن، در عرصه کار تحقیق خویش، کوشا و مبتکر بوده و از عهده این مسئولیت علمی به خوبی برآمده است.

این اثر می‌رساند، اغلب کسانی که از منشأ انکشافات و فراورده‌های علمی غرب اطلاعی ندارند، متأسفانه تحت آموزه‌های غلط، اساس و انگیزه پیشرفتهای علمی امروزی جهان را محض به غرب نسبت می‌دهند و افتخار طرز تفکر علمی و بینش تجربی و روش مشاهده عینی را نصیب دانشمند دانشمندانی چون فرانسس بیکن، دکارت و امثالهم می‌دانند.

تردیدی نیست که دانشمندان ذکر شده، سهم ارزشمندی در انکشاف و گسترش افقهای جدید علمی داشتند، ولی بی‌خبر از این واقعیت که اساساً این پیشرفتها از فراورده‌های علمی تمدن اسلامی منشأ و الهام گرفته است؛ به قرار اعتراف دهها دانشمند بزرگ و سرشناس غرب، اروپا با خوی بربریت دوره قرون وسطایی، همین که با جهان اسلام، به تماس شد، بعد از آن روی هم رفته با استفاده از

فراورده‌های معنوی و علمی اسلام وارد طریق آدمیت و عرصه انکشافات علمی، صنعتی و تمدن گردید، چه، اگر این تمدن اسلامی نبود، دستاوردهای علمی و تمدنی کنونی امروز به تعویق می‌افتاد.

از سوی دیگر، آن دسته از تحصیل کرده‌های ما که با وصف ادعای مسلمانی، متأسفانه قرآن را با کمی دقت و تعمق، حتی یک‌بار هم در زندگی‌شان مرور نکرده‌اند، متوجه این واقعیت نیستند که فراورده‌های علمی تمدن اسلامی ناشی از انگیزه‌بخشی قرآن عظیم‌الشأن موجب بیداری غرب، ایجاد رنسانس و اکتشافات علمی امروز جهان گردیده است، اگر از این واقعیت چشم‌پوشی نموده و زبان و منطق قرآنی با زبان و منطق علمی و عینی‌گرایی بیگانه تصور شود، ستم بزرگی به اسلام روا داشته شده است.

این اثر می‌رساند، از اینکه، اساساً قرآن انگیزه‌بخش فراورده‌های علمی مدنیت اسلامی می‌باشد، نباید آن را یک کتاب علمی محض تصور کرد، بل از آنجایی که اسلام آیین فطرت و قرآن کتاب این مکتب است، این کتاب با ارائه حقایق کلی و اساسی مربوط به جهان می‌کوشد تا آدمی را در راه تکامل شخصیت و نوع خود به راه اندازد و هدایت کند.

قرآن بیشتر به آن دسته از قوانین اساسی یا سنتهای جهان خلقت، اشاره می‌کند که شناخت آنها برای دسترسی به حقایق علمی و به مقصد پیش‌راندن انسان به سوی سرمنزل کمال وجودی‌اش به کار می‌آید و از آنجا که قرآن در عصری نازل شده است که عقل و اندیشه انسان به مرحله بلوغ پای گذاشته است، لذا همه سعی خود را به کار برد تا آدمی را برای به کار گرفتن قدرت عقل و اندیشه و استعداد شناخت کشف حقایق علمی و اسرار خلقت و مهار ساختن نیروهای طبیعی و آبادانی روی زمین (در مقام نیابت خدایی)، به منظور لزوم تأمین سعادت بشری، توفیق مزید بخشد و راه کشف قوانین و حقایق زندگی را به او نشان دهد و به او بیاموزد که چگونه و از چه طریق باید به درون اشیاء و عمق پدیده‌ها نفوذ کرده و حقایق را از دل عناصر طبیعت، از محیط زندگی، از مظاهر خلقت و جریانات و تحولات طبیعی و بالاخره از نتایج زندگی انسان و اقوام و تمدنها بیرون کشد.

از سوی دیگر، قرآن انسان را به استفاده از اساسی‌ترین روش‌های علمی - تحقیقی ای که امروز معمول و معروف است، رهنمایی می‌کند، چنان‌که در این اثر به صورت همه‌جانبه و گسترده انعکاس یافته است. البته به این ارتباط، پیرامون موضوع مبنی بر مشاهده عینی و کاربرد تجارب علمی در عرصه تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و جریانات طبیعی و تاریخی با کاربرد آیات قرآن تأکید بیشتر صورت گرفته است.

همچنان، در این اثر به صورت گسترده این مطلب انعکاس یافته است که فراورده‌های علمی اسلام در پرتو قرآن به جامعه بشری ارمغان بزرگ و هسته همه فراورده‌ها و فعالیت‌های علمی است، از علم تجربی گرفته تا اخلاق، از فقه و قانون گرفته تا فلسفه، از ادبیات و هنر تا تکنیک، از شناخت و تشخیص بیماریها و کشف داروهای جدید تا ساخت سیستم‌های سیاسی و اقتصادی، از آداب معاشرت فردی و اجتماعی تا سنت دانشگاهی، از تربیت و نگهداری پرندگان و دامداری، تا استخراج آب‌های زیرزمینی و اصول آبیاری، از عمران ابنیه تا کشاورزی، از کشورداری تا تأمین هم‌پیکری بشری و آوردن صلح و امنیت سرتاسری در عالم.

در این اثر تصریح گردیده است که منبع معرفت انسان محدود به تجربه و مشاهدات مادی محض نیست بلکه مشاهده آفاق نیز یکی از منابع شناخت اسرار خلقت و حقایق علمی، پیرامون زندگی می‌باشد، چنان‌که بسا از چنین حقایق، سیزده قرن پیش از امروز، از طریق وحی در پرتو رهنمودهای قرآن روشن شده است؛ امروز و فردا هم ممکن است و امید آن می‌رود که بسیاری از حقایق و اسرار عالم که از چشمان درک و عقل پوشیده است، روشن گردد.

بالاخره، این همه فراورده‌های علمی که مدنیت اسلامی را ساخته و جهان از پرتوش به ترقیات علمی مزید امروزی نایل آمده، در واقعیت همه مرهون هدایات و انگیزه‌بخشیهای قرآن بوده است، قرآن این کتابی که توسط معلمی چون محمد (ص) خاتم پیامبران که خود درس‌نخوانده، ناخوان و مکتب‌ندیده بود، به طریق وحی برای بشریت به ارمغان گذاشته شد، تا بشر به این همه آگاهیها و حقایق علمی دست یابد و بصیرت بیشتری پیرامون جهان پیدا کند و موجب گردد که معتقد و مؤمن به پروردگار عالم گشته و به حیث انسان واقع‌بین به علم نسبی خود پیرامون حقایق بی‌انتهای عالم

معترف شود، چنان‌که پس از این دیگر هرگز نباید از راه کبر و کوتاه‌اندیشی منکر آن عده از حقایقی شود که قرآن به آن اشاره کرده، ولی تا هنوز در حوزه درک و شناخت و حس او قرار نگرفته است، پس نباید خدایش را انکار نماید.

بنابر آن تألیف این اثر ارزشمند را به همت معاون محقق محمداعظم «طارق» نه تنها برای ترفیع به رتبه علمی محقق مناسب دانسته و تبریک می‌گوییم، بلکه آن را هدیه قیمتی و ارمغان بزرگ برای عموم نسل کنونی بشر و مسلمانان جهان، خاصاً برای مردم افغانستان و رهنمودی برای دانش‌پژوهان و آگاهی برای نسل جوان کنونی می‌دانم. برای دانشمند موصوف هدایت و تقوای مزید اسلامی و علمی و عمل صالح استدعا می‌نمایم. و من الله التوفیق.

با احترام

معاون سرمحقق میرمحمدشریف «پاکرای»

تقریظ (۱)

الحمد لاهله و الصلاة على اهلها

قرآن کتاب مبارک، هدایت و رحمت الهی و معجزه‌ای جاودان و گویای پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است که در طول تاریخ همواره خردمندان را به پژوهش و تحقیق در تمام عرصه‌های علمی واداشته، با شیوه‌های مختلف به تدبیر، تفکر، تذکر و تعقل فرا می‌خواند و انگیزه می‌دهد.

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ^۱»

[این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده‌ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند.»

بلکه الله تبارک و تعالی در قرآن عظیم الشان به وجود آمدن تغییر در عرصه‌های علمی و تجلی آیات الله در آفاق و انفس را با به ظهور پیوستن اختراعات، انکشافات و تکامل علم نوین، وعده قطعی داده است:

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ^۲»

به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است.»

۱. ص: ۲۹.

۲. فصلت: ۵۳.

آری! انکشاف علوم در آفاق و انفس نمایانگر اعجاز و حقانیت قرآن کریم بوده و به وضاحت دلالت دارد که این کتاب، کتاب عادی و از فراورده‌های دست بشر نیست، بلکه کلام بر حق خالق بشر می‌باشد، که برای راهنمایی و هدایت بشر، شرف نزول یافته است و در ایجاد انگیزه‌های پژوهشهای علمی نقش اساسی ایفا نموده است؛ اما گاهی این حقیقت را پرده تعصب و خودخواهیها پوشانیده و وارونه جلوه داده است، که وظیفه و رسالت دانشمندان عرصه علوم اسلامی پنداشته می‌شود تا پرده برداری نموده، حقایق را برملا سازند.

انستیتیوت ثقافت مرکز عقیده و ثقافت آکادمی علوم با درک این رسالت پروژه علمی-تحقیقی را زیر عنوان: «نقش قرآن در ایجاد انگیزه فراورده‌های علمی بشر» جهت پژوهش دقیق و تبیین حقایق به دانشمند محترم محمداعظم «طارق» سپرده بود. این پروژه برای ارائه تقریظ به من سپرده شد، آن را دقیق مطالعه نمودم و در برخی مواردی که لازم دیده شد، راهنمایی و تصحیحات ضروری صورت گرفت؛ اما به صورت کل دریافتیم که تحقیق بسیار زیبا و مناسبی موافق به حالات زمان انجام یافته است که دانشمند موصوف، با استفاده از منابع، مآخذ و آثار معتمد و معتبر و با رعایت موازین و متدهای علمی-تحقیقی پذیرفته شده در مراکز علمی-آکادمیک و تطبیق سیستم مروج و معروف در آکادمی علوم افغانستان، تحقیق خویش را به اتمام رسانده و مسئولیتهای علمی خود را به خوبی ادا نموده است.

بنده در حالی که این اثر ارزنده را برای ترفیع به رتبه علمی محقق کافی می‌دانم، برای استاد محترم از بارگاه الله بی‌نیاز توفیق مزیدی را در راستای خدمات بیشترشان پیرامون فهم قرآن استدعا می‌دارم و به هدف استفاده هم‌وطنان عزیز، چاپ این اثر را پیشنهاد نموده، مطالعه آن را برای هر شخص علم‌دوست و فرهنگی توصیه می‌نمایم.

والسلام

معاون سرمحقق عبدالولی «بصیرت»

تقریظ (۲)

الحمد لله و الصلوة و السلام علی رسول الله

پیشرفت و تمدن سحرآمیز امروزی بشر که انسان را روز به روز به حقایق کائنات و رموز طبیعت آشنا می‌سازد و باورمندی بشر را نسبت به مبدأ هستی مستحکم‌تر می‌کند، در حقیقت هسته اولی این پیشرفت‌ها در عصر خلافت بزرگ اسلامی، که از چشمه زلال قرآن سیراب می‌شد، تهادب‌گذاری شده است، با گذشت زمان، ملت‌ها، تمدن‌ها و کشورهای دیگر توانستند این نونهال را که بذر آن در عصر مدنیت شکوهمند اسلامی با الهام از آموزه‌های قرآنی شکل گرفته بود، پرورش دهند و از ثمره‌های آن بهره‌مند شوند، که در نتیجه انسان امروزی می‌تواند به مهتاب صعود کند و یا هم در اعماق بحر‌ها داخل شود.

ولی متأسفانه این منبع الهام‌بخش تمدن امروزی بشر، به باد فراموشی سپرده شده و کمترین توجه به نقش آن در ایجاد انگیزه دستاوردهای علمی و تخنیکی بشر صورت نگرفته است، پس رجوع به نقش قرآن من حیث ایجادگر انگیزه پژوهش جهت تسخیر طبیعت، که کتله عظیم انسانی امروز از برکت آن در رفاه و آسایش به سر می‌برند، مسئولیت هر پژوهشگر معارف اسلامی می‌باشد.

بنابراین رساله هذا تحت عنوان: «نقش قرآن در ایجاد انگیزه فراورده‌های علمی بشر» که استاد محترم معاون محقق محمداعظم «طارق» آن را به رشته تحریر درآورده، نوشته پرمحتوا و اقدام بجا در این باب به شمار می‌رود. این اثر مشتمل بر یک مقدمه، چهار فصل، نتیجه، پیشنهادات و فهرست مآخذ می‌باشد، که در فصل

اول بعد از مقدمه طبق معمول به پیشینه تاریخی موضوع پرداخته و کارهایی را که تا هنوز در این راستا انجام شده به بررسی گرفته است، در فصل دوم ویژگیهای علمی قرآن، در فصل سوم انگیزه‌های علمی قرآن و در فصل چهارم تحولات علمی فرهنگی جهان در پرتو قرآن را مورد بحث و بررسی قرار داده است و در پایان موضوع بحث با نتیجه خاتمه یافته است.

تحقیق‌ها این‌گونه اثر علمی پرمحتوا بوده که در آن از معیارهای قبول شده آکادمیک و متدهای علمی مروج در آکادمی علوم استفاده به عمل آمده و از مراجع موثق و معتبر با حفظ امانت‌داری استفاده شده است.

بنده این اثر علمی-تحقیقی را جهت ترفیع موصوف به رتبه علمی محقق کافی و مطالعه آن را برای دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان معارف اسلامی ضروری می‌دانم، برای نویسنده از خداوند متعال اجر عظیم و توفیق مزید را در راستای خدمت به نشر علم و فرهنگ آرزو می‌کنم.

با احترام

محقق نصیر احمد «نوربخش»

مقدمه

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله، و الصلوة و السلام على سيدنا محمد خاتم الانبياء، و على آله و اصحابه و من دعى بدعوته إلى يوم الجزاء.

زمانی که اشعه تابناك خورشید جهان تاب اسلام با نزول قرآن حکیم (معجزه جاوید پیامبر اکرم (ص)) بر شبه جزیره عربستان تأیید گرفت، تعداد مردمان باسواد آن سرزمین از شمار انگشتان تجاوز نمی کرد؛ قرآن حکیم با انگیزه بخشیدن به فراگیری علم و دانش و دعوت به تفکر و تعمق در آیات الهی، آفرینش آسمانها و زمین و غیره آن مردم را از خواب غفلت بیدار ساخته به اوج قله کمال و سعادت رسانید.

قرآن حکیم با منشور «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می ترسند) کسانی را دانشمند خطاب کرد که در فروفرستادن باران و رویدن گیاهان و رنگارنگی کوهها، انسانها و چارپایان می اندیشند؛ قرآن حکیم همچنین آموزه های اساسی دین، از جمله مسئله اساسی قیامت را از روی نظایر طبیعی و رستاخیز دنیا برای ما آشکار و مبرهن می کند.

قرآن حکیم چهارده قرن قبل، در مورد آسمانها و زمین، زوجیت گیاهان، خورشید، ستارگان و هزاران موضوع علمی دیگر مطالبی بیان داشته است که امروزه دانشمندان علوم تجربی به حقانیت آنها پی برده اند و جالب این است که بسیاری از حقایق علمی قرآن حکیم در مراکز علمی معروف آن زمان (مانند یونان، روم و ایران) قابل قبول نبوده، چراکه نظریه هیئت بطلمیوسی حاکم بر افکار دانشمندان آن عصر چنین چیزی را نمی پذیرفت، چنان که گاليله به جرم ابراز چنین سخنی به دادگاه کشانیده شد و محکوم گردید.^۱

۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۲۶.

قرآن حکیم یگانه کتابی است که موضوع آن انسان بوده و برای رستگاری و موفقیت انسان در دنیا و آخرت نازل گردیده است. این کتاب الهی با فطرت‌نگری‌اش می‌خواهد انسان را به سمت و سویی هدایت نماید که اقتضائات مادی و دنیوی‌اش برآورده گردیده و با فطرتش در تضاد قرار نگیرد.

از همین جاست که موضوعات مربوط به کامیاری انسان، بیش از همه مورد تأکید و در سرلوحه رویکرد قرآنی قرار گرفته است؛ مثلاً علم و دانش که از عمده‌ترین ابزارهای موفقیت و پیشرفت انسان در عرصه‌های مختلفه زندگی به شمار می‌رود، در رأس همه برنامه‌های قرآن حکیم قرار دارد و حتی که آغاز آن به مقدمات علم و کلیدهای دانش صورت گرفته که همانا خواندن و استفاده از قلم می‌باشد.

همچنین طرح موضوعات علمی، تشویق به سمت تولید علم، آن هم در شرایط و محیطی که جز غارتگری و آدم‌کشی، چپاول و سایر اخلاق ناشایست انسانی، دیگر ارزشی در آنجا وجود نداشت، محور و موضوع بحث تمامی مردمان چیزفهم، به ویژه شعرا و نویسندگان آن دوران جز شتر، غژدی، زلف، معشوقه، عشق و عاشقی چیز دیگری نبود. در چنین شرایطی قرآن حکیم از کهکشانش و منظومه شمسی، از حرکت ماه، خورشید و دیگر کره‌ها و سیاره‌ها بحث می‌کند، رفتن به فضا (علوم فضانوردی و کیهان‌شناسی) و مسئله تسخیر کائنات را مطرح می‌کند، از سرنوشت اقوام گذشته سخن می‌گوید، به سیر و سیاحت در اکناف و اطراف عالم تشویق می‌کند، به موضوعات باستان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زمین‌شناسی، فیزیولوژی می‌پردازد، از مراحل آفرینش انسان، ماضی، حال و آینده او بحث می‌کند، مسائل مربوط به حکومت، سیاست و خلافت را بیان می‌کند، طرز زندگی، شیوه معاشرت، مسئله نظافت و محیط زیست را مطرح می‌کند.

همچنین درباره موضوعات بیولوژی، علوم هواشناسی، ذخائر آب، علوم زمین، علم گیاه‌شناسی، علوم حیوانات اهلی، علوم متعلق به زندگی حیوانات وحشی، علم الحشرات یا حشره‌شناسی، علم البحر یا بیولوژی بحری و سایر مسائل مربوط به علوم طبیعی و علوم انسانی که هنوز علم بشر بدان قادر نیست بحث می‌کند.

این همه می‌رساند که هدف اولی و اساسی قرآن حکیم جز فلاح انسان چیز دیگری نبوده و این هم مبرهن است که رستگاری انسان جز در پرتو برآورده ساختن خواسته‌های فطری‌اش میسر نمی‌باشد؛ با در نظر داشت این دو نکته، قرآن حکیم انسانها را به اتباع از احکام و اوامر الهی فرامی‌خواند و آنها را به تطبیق و عملی ساختن آنها مکلف می‌سازد و در محدوده زمان و مکان برایش مأموریت می‌سپارد.

بنابراین، اگر انسان مأموریت و مکلفیت خویش را به منظور فلاح جامعه انسانی و در پرتو مقتضیات فطرت به پیش ببرد، نه تنها اینکه زندگانی دنیوی‌اش فرحت‌انگیز و آرام‌بخش می‌باشد، بلکه جهان ابدی و سرمدی او که عبارت از سرای آخرت است نیز سرورانگیز و شادی‌آفرین خواهد بود. این همان چیزی است که در آیات متعدد قرآن حکیم، صراحتاً یا اشارتاً بازتاب یافته و انسان به تبعیت از آن مأمور گردانیده شده است، تا آنجا که به عنوان خلیفه‌الله از شرف برتری بر ملائک نیز برخوردار شده است.

متأسفانه در دنیای امروزی به این امر مهم کمتر توجه صورت می‌گیرد، به همین سبب است که فرحت و آرامش، اطمینان و راحت از جهان امروزی رخت سفر بسته و انسان در منجلاب و بحرانه‌های گوناگونی غرق گردیده است؛ به هر اندازه که ثروت و سرمایه انسان افزایش می‌یابد و به هر نیرویی که او مسلح می‌گردد، باز هم می‌بینیم که راحت و آرامش به مشامش نمی‌رسد؛ این بیانگر آن است که انسان رستگاری را از طریقی می‌خواهد که با فطرتش در تضاد قرار دارد و این کار نه تنها به نفع انسانیت نیست بلکه زیان‌آور و مشکل‌آفرین نیز می‌باشد.

بناءً یگانه راه بیرون‌رفت همان است که قرآن حکیم آن را نشانه رفته که عبارت از جستجوی سعادت در روشنایی علم و بر مبنای مقتضیات فطرت می‌باشد. این حقیقتی است که جز انسانهای متعصب و کوردل کس دیگری نمی‌تواند آن را انکار نماید.

به یقین، تا وقتی که مسلمانان در پرتو این اندیشه قرآنی حرکت می‌کردند، بزرگ‌ترین موفقیتها را نصیب خویش ساخته بودند، ارزنده‌ترین فرهنگ و تمدن را

برای جامعه انسانی پدید آورده بودند و از همه جالب‌تر اینکه، بهترین سکون و آرامش را تحکیم بخشیده بودند. گوستاو لوبون در این باب می‌گوید:

مسلمانان که با فتوحات عظیم در قرن اول هجری، به سرزمینهای تازه‌ای دست یافته بودند، هر روز با افکار نو و ادیان دیگر آشنا می‌شدند و با فروکش کردن نسبی جنگها، تبادل فرهنگی بین اسلام، ادیان و تمدنهای ایران، روم و یونان آغاز شد و ترجمه آثار دیگر ملل، در دوره‌های هارون‌الرشید و مأمون شدت گرفت؛ مسلمانان علومى مانند طب، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی و فلسفه را از یونان گرفتند و مطالب زیادی به آنها اضافه کردند و در طی چند قرن، خود را به اوج قله دانش رساندند، چنان که مسلمانان در قرن سوم و چهارم هجری بهترین کتابها را در زمینه طب (مانند قانون بوعلی سینا)، در زمینه فلسفه (مانند شفاى بوعلی سینا)، ریاضیات، نجوم و غیره نگاشتند، حتی غرب که اصل این علوم را از یونان گرفته و به مسلمانان وام داده بود مجبور شد که دوباره آنها را از مسلمانان اخذ کند. از این رو، از قرن دوازدهم میلادی به بعد نهضت ترجمه در اروپا شکل گرفت و نظریات بوعلی سینا و ابن رشد، تا سالها در دانشگاههای اروپا تفکر حاکم بود...^۱

این چیزی است که جز در پرتو آموزه‌های روح‌افزا و دل‌انگیز اسلام مقدور نبود، چراکه اگر منهای تعالیم والای اسلام و انگیزه‌بخشیهای قرآن حکیم چنین چیز یا چیزهایی میسر می‌بود، انسانهای زیادی پیش از نزول قرآن وجود داشتند، متفکران و فیلسوفان زیادی عرض وجود کرده بودند، مهم‌تر اینکه علوم و فلسفه یونان، به عنوان باارزش‌ترین فراورده علمی بشر، از قرن‌ها بر افکار و اذهان مردم حکومت می‌کرد، پس بایست آنها هم به آن دست می‌یافتند، حقیقت این است که دست نیافتند.

این همه بیانگر این واقعیت است که در ایجاد تحولات علمی-فرهنگی جهان، قرآن حکیم نقش بسیار بسزایی داشته و حتی می‌شود گفت که از نخستین بنیان‌گذاران و طلعه‌داران تمدن امروزی می‌باشد، این حقیقتی است که بیشتر دانشمندان اروپایی نیز به آن اعتراف می‌کنند.

این قرآن بود که با دعوت به تأمل، تفکر و تعقل در پدیده‌های طبیعی، به

۱. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ج ۲، ص ۳۲.

خصوص در اجرام سماوی از قبیل ستاره‌ها، سیاره‌ها و کهکشانها، انگیزه تحقیق و تفحص در کائنات را برانگیخت و با استفاده از آن بشر توانست به چنین پیشرفتهای علمی نایل آید.

همچنان در پرتو همین انگیزه‌بخشیهای قرآن بود که مسلمانان تمدن شکوهمند اسلامی را پی‌ریزی کرده و بشریت را مرهون خود ساختند. خاصیت انگیزه‌بخشی قرآن چنان روحیه تحول را در اذهان مردم آن روزگار ایجاد کرد که در مدت بسیار اندک تاریخ جهان دستخوش تحولات عمیق و تغییرات شگرفی گردید و پیشرفتهای زیادی را در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی، فکری و غیره را در پی داشت.

این واقعیتی است که مسلمان و غیر مسلمان به آن اعتراف داشته و کتابهای زیادی در این باب نوشته‌اند؛ مهم‌ترین و مؤثرترین پژوهشهایی که در این زمینه انجام یافته از طرف پژوهشگران مسلمان هندی، پاکستانی، مصری و ایرانی بوده است. شاید عامل اساسی موفقیت و پیشتازی آنها در این عرصه، مساعد بودن زمینه تحقیق بیشتر (داشتن امکانات و ابزار تحقیقاتی) و هجوم فرهنگ ضد دینی غربی به آن سرزمینها باشد که بدین وسیله خواستند هم از فرهنگ دینی دفاع کنند و هم نقش قرآن را در زندگی برجسته بسازند.

اما با تأسف در کشور ما، تا جایی که من معلومات دارم، با روشهای علمی-پژوهشی و با این ویژگی که نقش قرآن در ایجاد انگیزه فراورده‌های علمی بشر در آن بحث و برجسته شده باشد و عطش علمی محققان و اندیشمندان را مرفوع گرداند، کتاب علمی‌ای نوشته نشده و اگر نوشته شده باشد اندک بوده و صرف یک بعد موضوع را که همانا بعد اعجاز علمی قرآن می‌باشد مورد بررسی قرار داده است که بدون شک پاسخگوی این مهم نمی‌باشد.

بناءً، با اینکه بضاعت علمی‌ام مزجات بود، به تحقیق روی این موضوع، تحت عنوان «نقش قرآن در ایجاد انگیزه فراورده‌های علمی بشر» آغاز نمودم، هرچند با نگارش یک اثر علمی نمی‌توان ادعای شناخت همه‌جانبه ابعاد علمی قرآن حکیم را کرد، زیرا ابعاد علمی این کتاب مقدس و بحث پیرامون آن چنان

عمیق و گسترده است که انتظار آن در محدوده استعداد علمی شخصی همچون من و ظرفیت یک رساله علمی ممکن نمی‌باشد.

با وجود این، رجامندم این پژوهش گامی باشد در مسیر قدمهای پژوهشگران گذشته، در راستای شناخت ابعاد علمی قرآن حکیم و نقش آن در ایجاد انگیزه فراورده‌های علمی بشر و امیدوارم پروردگار عالم جلت عظمت، این نوشتار اندک و کوچک را مرجع علما و منبع پژوهشگران قرار دهد.

در این تحقیق سعی بر آن شده است، تا با استفاده از منابع مهم دینی، عقلی و اعترافات اندیشمندان و مستشرقان غربی، این نقش قرآن حکیم به صورت برجسته معرفی گردیده، موارد، شواهد و امثله‌ای که در قرآن حکیم از این قبیل وجود دارند تا حدودی نشان‌دهی شوند.

در راستای تکمیل این اثر علمی، بیشتر از روشهای تحلیلی و استقرایی استفاده به عمل آمده و برای اجتناب از هر گونه پیش‌داوری، علاوه بر منابع موجود در افغانستان، از منابع منتشره در بیرون، مخصوصاً از سایتهای انترنتی، استفاده گردیده است.

این پژوهش دارای یک مقدمه، چهار فصل، نتیجه‌گیری، پیشنهادها و فهرست مآخذ می‌باشد. در فصل اول، به پیشینه تاریخی موضوع مختصراً پرداخته شده که حاکی از قدمت بیش از هزار ساله آن است.

در فصل دوم، ویژگیهای علمی قرآن بیان گردیده که بیشتر در باب تعاریفات و شناخت ماهیت موضوع و مبانی ویژگیهای علمی قرآن بحث شده است، همچنان ضمن بررسی علمی برخی موضوعات مربوطه، بحث درباره اهمیت علم و اهمیت فن در قرآن از مهم‌ترین مسائل مطروحه این فصل می‌باشد. در فصل سوم انگیزه‌های علمی قرآن پیرامون مطالعه طبیعت، علوم طبیعی، متدهای علمی - تحقیقی قرآن و معجزه‌های علمی قرآن مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل چهارم پیرامون تحولات علمی - فرهنگی که در پرتو قرآن حکیم در جهان رخ داده است، بحث گردیده که مهم‌ترین مسائل مطروحه در آن بحث روی انگیزه‌بخشیهای قرآن در زمینه ایجاد تمدن شکوهمند اسلامی، در زمینه شکوفایی

اندیشه‌های علمی، در زمینه اختراعات و انکشافات، در مورد پایان‌بخشی شرایط قرون وسطایی به برکت انگیزه‌بخشی‌های قرآن و درباره تأثیرات و احسانات قرآن بر تمدن بشری می‌باشد. همچنان مطالبی از قبیل اعترافات برخی از اندیشمندان غیر مسلمان و نیاز آینده تمدن بشری به رهنمودهای قرآنی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در نتیجه‌گیری، نکات برجسته‌ای که از لابه‌لای بحث به دست آمده، تذکر رفته است.

در پیشنهادها برخی مطالب مهمی که در جامعه ما اهمال گردیده، به صورت فشرده مطرح و راههای تحقق و عملی آن نشان‌دهی گردیده است.

یک نکته را لازم به تذکر می‌دانم آنچه در این پژوهش با اصول و معیارهای پذیرفته شده علمی برابر باشد، صواب دانسته به آن متعهد هستم و آنچه برابر نمی‌باشد، ناصواب پنداشته قابل نقد و رد می‌دانم، به امید آنکه علما و پژوهشگران نقاد، اشتباه‌هایم را برایم نشان‌دهی نموده در راستای تصحیح آن یاریم نمایند. در فرجام، از پروردگارم جلّ مجده عاجزانه استدعا می‌دارم که اگر خطا و اشتباهی در مسیر تحقیق از بنده رخ داده باشد، مورد عفو بارگاه بی‌نیازش قرار داده و در راستای خدمت به دین و امت مسلمه، توفیقات هرچه بیشتر را برایم عنایت بفرماید. آمین یا رب العالمین.

با احترام

محمداعظم «طارق»